

## گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر دفتر خبرگزاری سازمان برون مرزی حزب ملت ایران

**گزارشگر:** در آستانه‌ی شانزدهمین سالگرد انقلاب، وضع جمهوری اسلامی را چگونه تشریح می‌کنید؟

**داریوش فروهر:** از دیدگاه من، جمهوری اسلامی در چنبر دشواری‌های بغرنج گرفتار آمده و، با افسوس بسیار، با زشت‌کاری‌های پی‌درپی ایران را هم به ورطه‌ی هولناکی درافکنده و مردم را به سیه‌روزرگاری انداخته است. اکنون در پانزدهمین سالگرد انقلاب، که خیلی زود جدول ارزش‌های آن درهم‌شکسته شد، جمهوری اسلامی کشور را از لحاظ سیاست خارجی با بن‌بست و از لحاظ اقتصادی با ورشکستگی و، از همه بدتر، با زشت‌ترین تباهی‌های اجتماعی روبه‌رو کرده است. در پی بال‌گشودن بوم شوم دیکتاتوری بر سراسر ایران انقلابی، اکنون در جمهوری اسلامی، با نادیده گرفتن حیثیت ذاتی بشر و از میان بردن آزادی‌های فردی و اجتماعی، دگراندیشی در حصار کوتاه‌بینی‌های واپس‌گرایانه افتاده، عرصه‌ی گفتار و نوشتار و گردهمایی به‌سختی تنگ گردیده و امتیازهای قانونی حزب‌ها و نشریه‌ها سلب گشته است.

آزمون‌های تاریخی به‌خوبی نشان می‌دهد نظام سیاسی و اداری‌ای که نتواند در راستای بهینه‌سازی زندگی ملی گام بردارد، به‌ویژه اگر از مردم هم جدا افتاده باشد، به هیچ وجه پایدار نمی‌ماند؛ و بر جمهوری اسلامی نیز این حکم کلی رواست و دیر یا زود با شکست قطعی روبه‌رو خواهد شد و جای خود را به سامانی دیگر می‌دهد.

**گزارشگر:** در بسیاری از نقاط کشور آشوب است، به‌ویژه در زاهدان و استان سیستان و بلوچستان. این اوضاع ناشی از چیست؟

**داریوش فروهر:** نابسامانی‌های بسیار در زندگی روزمره‌ی مردم، از جمله گرانی سرسام‌آور و بیکاری گسترده، کمبود بهداشت و درمان و دارو، نارسایی آموزش و شیوه‌ی قلدرمابانه‌ی گردانندگان دستگاه‌های دولتی، که به هیچ شکوائیه‌ای رسیدگی نمی‌کنند، یک ناخشنودی همگانی در سراسر ایران پدید آورده است و، گاهی، در گوشه‌وکنار، ناآرامی‌هایی را همراه با تظاهرات اعتراض‌آمیز سبب می‌شود و رو به فزاینده‌گی هم گذارده است؛ ولی برخورد‌های خونین در زاهدان و دیگر بخش‌های بلوچستان ریشه‌ی ژرف‌تری دارد؛ و به گمان من، عقب‌نگه‌داشته شدن پاره‌ای از استان‌های مرزی، به‌ویژه از لحاظ اقتصادی، و نبود نهادهای صنعتی و حتی کشاورزی کارساز در آنجاها و مرکزگرایی جهنمی، که در نظام سلطنتی پهلوی‌ها پا گرفت و در جمهوری اسلامی هم دنباله یافت و تبعیض‌های ناروای اجتماعی و نادیده انگاشتن تفاوت در پاره‌ای از عنصرهای فرهنگی بومی را دربردارد، سبب‌ساز خشم فروخورده‌ای است که هر از چندی سر بر می‌کشد.

وانگهی، بعد از انقلاب، برکرسی قدرت‌نشستگان در تهران به پیروی از برنامه‌های واپس‌گرایانه‌ی خود در جای‌جای ایران اختلاف‌های فرقه‌ای دینی را دامن زدند و در استان‌ها و شهرها و روستاهای سنی‌نشین اجحاف‌گری‌هایی کرده‌اند که بسیار ناگوار می‌باشد.

خوب، پیدا است که دشمنان تاریخی و امپریالیست‌های آزمند، که همواره در کمین نشست‌ه‌اند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند، در راستای سود و صلاح خود از تفرقه‌اندازی میان ایرانیان به بهره‌وری بپردازند؛ ولی این هم نباید دستاویز سرکوب مردم قرار گیرد.

**گزارشگر:** رژیم بیش از پیش نامحبوب و جدا از مردم است. آیا جایگزینی ندارد، پیش از فروپاشی کامل ایران، که

ندانمکاری سردمداران به آن سرعت می‌بخشد؟

**داریوش فروهر:** درست است که جمهوری اسلامی با ناخشنودی همگانی روبه‌رو می‌باشد و پیوسته از شمار هواداران آن کاسته می‌شود؛ ولی هم‌اکنون جنبش تازه‌ای در راستای برچیدن بساط یکه‌تازی و رسیدن به مردم‌سالاری میان ایرانیان درون و بیرون کشور پا گرفته و می‌رود تا شکل سازمانی به خود بگیرد و آینده‌ساز این ملت کهن‌سال و بافرهنگ باشد. اما، به گمان من، به‌رغم بی‌بهره بودن جمهوری اسلامی از کارمایه‌ی کشورداری و ناشایستگی سردمداران آن و همه‌ی پریشانی‌هایی که پدید آمده، جای هیچ نگرانی پیرامون فروپاشی ایران در میان نیست. گرچه ملت ایران بافت اجتماعی ویژه‌ای دارد که، با نگاه سطحی، گاه آسیب‌پذیر می‌نماید؛ ولی در پهنه‌ی تاریخ پرفرازونشیب خود همواره پابرجا و استوار مانده است. پرسش شما به من فرصت داد تا ضمن پاسخ بدان به جهان‌خواران بیگانه، که خواب فروپاشی ایران را می‌بینند، گوشزد نمایم «این دم شیر است به بازی مگیر.»

بگذارید به سردمداران جمهوری اسلامی هم هشدار دهم تا با خشکسری‌های خود کار امروز به فردا نیندازند و فرصت دهند تا، در یک گذار آرام، سامانی مردم‌سالارانه در این کهن‌بوم‌وبر برپا شود و هر خطری از گرداگرد آن دور گردد.